

نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار ۱۳۹۶

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸، شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۰ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱

<http://jupm.miau.ac.ir/>

صص ۱۳۴-۱۱۱

بحران هویت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت (مورد مطالعه: شهر جدید پردیس)

محسن شاطریان: دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

مهران سهراب‌زاده: دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

حسین امامعلی‌زاده: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان، کاشان، ایران*

سیدسعید حسینی‌زاده: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده

با گسترش مهاجرت به شهرها و تراکم بالای جمعیت در این مراکز و به دنبال آن، مشکلات و نارسایی‌های پیش آمده به ویژه در حوزه مسکن و خدمات شهری، ایجاد شهرهای جدید به عنوان یک راه حل مطرح شد. اما بررسی‌های انجام شده، حاکی از ناتوانی این شهرها در جذب جمعیت مازاد مادرشهر و نارضایتی ساکنان از سکونت در این مناطق بوده است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت شهرهای جدید، بی‌توجهی به هویت کالبدی و اجتماعی شهرهای جدید و احساس انزوای اجتماعی ساکنان آن‌ها باشد. از این رو، پژوهش حاضر مسئله بحران هویت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با میزان رضایت از سکونت در این مناطق را مورد بررسی قرار داد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و داده‌های مورد نیاز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پیمایشی) گردآوری شده است. در بخش پیمایش، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه، مجاسبه و از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده و به کمک ابزار پرسشنامه با ۳۵۰ نفر از ساکنان شهر جدید پردیس مصاحبه شد. برطبق یافته‌ها، میزان احساس هویت شهری برای شهر پردیس و همچنین میزان رضایت از سکونت در این شهر در بین پاسخگویان کمتر از حد متوسط و میزان انزوای اجتماعی بیشتر از حد متوسط است. در بخش تحلیلی نیز، نتایج حاصل از آزمون t نشان داد که میانگین متغیرهای مذکور تفاوت معناداری با میانگین مورد انتظار دارند به صورتی که میانگین احساس هویت شهری و رضایت از محل سکونت بسیار کمتر و میانگین انزوا بیشتر از حد متوسط است. همچنین آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته نشان داد میزان همبستگی بین احساس فقدان هویت شهری و نارضایتی از محل سکونت برابر ۰,۴۹ و میزان همبستگی احساس انزوای اجتماعی و نارضایتی از محل سکونت ۰,۳۹ است؛ بدان معنا که با افزایش احساس فقدان هویت شهری و افزایش احساس انزوای اجتماعی در بین شهروندان، میزان نارضایتی از سکونت در شهر پردیس بیشتر شده است.

واژه‌های کلیدی: شهرهای جدید، هویت، انزوا، رضایت، پردیس

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیستم، رشد کمی شهرها و نقاط شهری است. کمتر از یک قرن پیش، بیش از دو سوم جمعیت در نقاط روستایی زندگی می‌کردند اما با ظهور انقلاب صنعتی و آشکارشدن پیامدهای آن همچون تغییر شیوه‌ی زیست از کشاورزی به صنعت و خدمات، این نسبت به نفع شهرها دگرگون شد. شهرها گنجایش این میزان جمعیت تازه وارد را نداشتند، دشواری‌های فراوانی چون کمبود مسکن و رشد مناطق حاشیه‌ای در شهرهای بزرگ پدیدار شد لذا مدیران و مسئولین شهری برای حل مشکلات شهرهای بزرگ، برنامه‌ریزی برای احداث شهرهای جدید را آغاز کردند.

ماده یک قانون ایجاد شهرهای جدید، شهر جدید را نقاط جمعیتی می‌داند که در چارچوب طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خارج از محدوده قانونی و حریم استحفاظی برای اسکان حداقل سی هزار نفر به اضافه ساختمان‌ها و تأسیسات مورد نیاز عمومی، خدماتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن پیش‌بینی می‌شود (دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۸: ۲۰۱). در کشور ما، ایجاد شهرهای جدید دو رویکرد متفاوت را طی نموده است؛ پیش از انقلاب، شهرهای جدید پذیرای جمعیتی بودند که از قبل، شغل ساکنان آن در نزدیکی همان شهر تعریف گردیده و در قالب شهرک‌های صنعتی، نظامی، نفتی و یا اداری شکل گرفته بودند (آیتی و کمیلی، ۱۳۹۱: ۷) اما امروزه

شهرهای جدید با هدف تمرکززدایی از شهرهای بزرگ، جذب مازاد جمعیتی آنها، انتقال برخی از صنایع از شهرهای بزرگ و تأمین مسکن کارکنان کم درآمد شکل گرفته‌اند (زیاری، ۲۰۰۶: ۴۱۲ به نقل از آیتی و کمیلی، ۱۳۹۰: ۳). به بیان دیگر، پیش از انقلاب، شهرهای جدید در محل استقرار صنایع و پادگان‌های نظامی ساخته شدند اما «بنیانگذاری شهرهای جدید در سال‌های پس از انقلاب، مهم‌ترین تدبیر برای هدایت و ساماندهی زندگی شهرنشینی بوده» (زیاری، ۱۳۹۲: ۱۱۰) و حتی امید می‌رفته که پس از احداث شهرهای جدید، با انتقال بخشی از صنایع و مشاغل تولیدی مادرشهرها به شهرهای جدید بتوان برای ساکنان آنها شغل هم ایجاد و در واقع آنها را متکی به خود نمود.

در طول تاریخ، شهرها برای رفع نیازهای اولیه و بنا به ضرورت‌های اقتصادی، تجاری، تدافعی، کشاورزی، طبیعی و نظایر آن در قالب ارزش‌های جمعی و محیطی شکل می‌گرفتند. این امر باعث تنوع در معماری و ساختار شهری شهرهای مختلف می‌شد ولی پس از انقلاب صنعتی، که تحولات علمی و گسترش ارتباطات باعث غلبه دنیای مدرن بر جوامع بدوی شد، جنبشی در اوایل قرن بیستم حرکت شهرها را به طرف متحدالشکل کردن به جریان انداخت. پدیده‌هایی همچون جهانی‌شدن و فرهنگ جهانی در قالب وحدت علمی و گسترش ارتباطات در دهه ۱۹۶۰ و غالب شدن کارکردگرایی در شهرسازی به جدایی انسان از محیط انجامید (کمیلی، ۱۳۸۲: ۲). اما بخش‌هایی از جامعه‌شناسی شهری و جغرافیای انسانی در سال‌های اخیر تلاش نموده‌اند از شناخت محض مکان‌ها به سوی شناخت

نیروهای اجتماعی شکل دهنده به مکان‌ها یا شناخت مکان‌هایی که شناخت بشری را شکل می‌دهند، حرکت کنند (شکوئی، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

شهرها و زندگی در شهر مصداق حضور در جمع است که خود موجد هویت است. به بیان دیگر، اگرچه انسان‌ها هویت شهر را می‌سازند اما شهرها نیز از طریق ایجاد هویت جمعی منحصر به فرد هویت ساکنان خود را شکل می‌دهند. می‌توان برای مفهوم هویت شهری دو بُعد عینی و ذهنی قائل شد؛ بُعد عینی شامل نمای ظاهری شهر و ساختمان‌های آن، مختصات جغرافیایی‌اش، جاذبه‌های طبیعی یا مصنوعی و مواردی از این دست اما بُعد ذهنی شامل ساختار روابط و تعاملات اجتماعی و فضاهایی که بستر این تعاملات قرار می‌گیرند، می‌شود. هویت براساس ترکیب مناسبی از هر دو بعد ایجاد می‌شود. تفاوت در عین تشابه و تشابه در عین تفاوت. جاکبز در نقد نظریه‌ها وارد در ایجاد شهرهای جدید در آمریکا می‌گوید این شهرها موجب تضعیف روابط اجتماعی شده و محلات یکنواخت و بی‌روحی را پدید آورده است (به نقل از بهزادفر و برین، ۱۳۸۷: ۱۶). زیرا اعتقاد بر این است که هویت هر شهر تحت تأثیر رویدادها، فعالیت‌ها، نیروها، حالات و رخدادهایی است که زندگی هر فرد از آن ساخته شده است (کربلایی نوری، ۱۳۸۵: ۳۷۶).

ساخت شهرهای جدید برپایه نقشه‌ای آگاهانه و از پیش طراحی شده در زمینی بدون سابقه سکونت امری کهن محسوب می‌شود (پیران، ۱۳۷۰: ۱۲۴) اما شهرهای جدید به مفهوم امروزی آن عمدتاً حاصل انقلاب صنعتی و بازتاب فضایی آن در شهرها بوده است. «شهرهای جدید پاسخی به مگالوپلیس یا

تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیتهای اقتصادی درون شهرهای بزرگ بوده‌اند (ادی و هویی، ۲۰۰۳: ۴۲۴). این پاسخ تک بُعدی به مسئله مازاد جمعیت، موجب بی‌توجهی به هویت شهری شده است. چرا که هر فضا-مکانی به عنوان یک منبع هویت است و به گروه‌هایی که در آن قرار می‌گیرند، هویت می‌بخشد (ربانی، ۱۳۸۱: ۳۷). اما شهرهای جدید با دو مشکل عمده مواجه هستند: عدم پویایی اقتصادی و در نتیجه مشکلات مربوط به اشتغال، عدم تنوع کالاها و در پی آن وابستگی به شهر مادر و دیگری عدم پویایی فرهنگی و در نتیجه خشک و بی‌روح بودن آنها، و در واقع نداشتن هویت که باعث یکنواختی محیط و ایجاد افسردگی در بین ساکنان گردیده است (اسماعیل پور، ۱۳۸۴).

هویت کلمه‌ای است که از ویژگی‌ها و امتیازات افراد، گروه‌های بشری، اقوام و ملت‌ها بحث می‌کند. اخیراً این واژه درباره شهرها نیز به کار می‌رود. در اینجا منظور از هویت، احساس تعلق فرد به شهر است (بهزادفر، ۱۳۸۶). هویت شهری بخشی از شخصیت وجودی هر انسان است که هویت فردی او را می‌سازد؛ مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند (رضازاده، ۱۳۸۰: ۶). هویت یک شهر را می‌توان از جنبه‌های مختلف، کالبدی و طبیعی، انسانی و اجتماعی، تاریخی و اقتصادی بررسی نمود و در واقع شکل‌گیری هویت شهری تحت تأثیر فرهنگ، شکل طبیعی و کالبد مصنوعی شهر قرار دارد (نوفل، ۱۳۸۸: ۲). شهرها و فضاهای شهری در گذشته از استقلال، شخصیت و هویت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند، در حالی که آنچه از اغلب شهرهای جدید در ذهن عموم شکل می‌گیرد

مجموعه‌ای از ساختمان‌های بلند، خیابان‌ها و ادارات است که تعلق خاطر به این فضاها به مرور کمتر و کمتر می‌شود. در واقع باید گفت در دوره معاصر و به خصوص در سال‌های اخیر ساختن برای ساختن و نه ساختن برای زیستن، مجاللی را برای توجه به مقولاتی مهم همچون هویت در شهرسازی و معماری باقی نگذاشته است.

هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان، تعلق خاطر را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد؛ هدایت می‌کند. ضعف عنصر هویت در یک سکونت‌گاه شهری منجر به انقطاع و یا اصولاً عدم شکل‌گیری رشته‌های پیوند و ارتباط ساکنان با محیط و در نتیجه با یکدیگر می‌گردد. بسیاری از پژوهشگران از جمله کامروا (۱۳۷۱: ۱۸)، ابراهیم زاده و نگهبان مروی (۱۳۸۰: ۱)، نریمانی (۱۳۸۳: ۵)، بهزادفر (۱۳۸۷: ۱۱) و همچنین ربانی‌خوراسگانی (۱۳۸۹: ۴) در پژوهش‌های خود یکی از مولفه‌های عدم موفقیت شهرهای جدید را در بی توجهی به ایجاد هویت شهری برای شهرهای جدید ذکر کرده‌اند. لذا به رغم وجود مشکلات فراوان برای زندگی در مادرشهرها، شهرهای جدید در لحظه تولد مرده‌اند و یا با جمعیتی بسیار اندک به زندگی بیمارگونه خود ادامه می‌دهند (ترابی، ۱۳۸۰: ۴۸). به بیان دیگر، شهرهای جدید به اقامتگاهی گاه‌اجباری برای شهروندان تبدیل شده‌اند و شهروندان ساکن در این شهرها منتظر فرصتی برای خروج از این شهرها هستند. در اینجا یک سوال مطرح می‌شود، برآستی چرا شهرهای جدید با ظاهری آراسته و معماری مدرن، نتوانسته‌اند شهروندان را به

سوی خود کشانده، رضایت ساکنانش را جلب و حس تعلق را میان ساکنانش ایجاد کند؟ در پاسخ به سوال فوق، نگارندگان بر این اعتقادند انسان موجودی اجتماعی است که دارای میل به زندگی در کنار هم‌نوعانی است که نقاط اشتراکی دارند، و می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و از این رهگذر نیازهای خود را برطرف نمایند که نیازهای زیستی همچون داشتن سرپناه تنها بخشی از آن است. روی مهم‌تر ماجرا، نیازهای اجتماعی-روانی شهروندان نظیر نیاز به هویت و تعاملات اجتماعی است. توجه به مسئله هویت در شهرها امری مهم است زیرا مستقیماً با کیفیت زندگی انسان‌هایی که در این مناطق ساکنند، در ارتباط است. بعلاوه هویت شهری و ایجاد احساس تعلق داشتن به شهر، سبب ایجاد وفاداری به شهر و تلاش برای ساختن و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مادی و معنوی در شهر می‌شود (ربانی‌خوراسگانی، ۱۳۸۹: ۳). چنانچه نیاز به هویت و تعاملات اجتماعی ساکنان یک شهر برآورده نشود، آن‌ها احساس بی‌هویتی و انزوای اجتماعی کرده، یا در آن شهر سکونت نمی‌گزینند و یا در صورت سکونت، بسیار ناراضی بوده و منتظر فرصتی خواهند بود تا آنجا را ترک نمایند. هر دو حالت فوق، مسئله قلمداد می‌شود؛ اگر به شهر جدید مهاجرت نکنند، مشکلات مادرشهرها حل نشده و برنامه ایجاد شهرهای جدید با شکست روبرو می‌شود، و اگر مهاجرت نمایند، سکونت در این شهرها توأم با نارضایتی و احساس زندانی بودن و افت کیفیت زندگی همراه خواهد بود. از این رو، تحقیق حاضر قصد دارد به بررسی میزان احساس بی‌هویتی و

انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت مردم از سکونت در این شهرها پردازد.

۱-۲- ضرورت پژوهش

هر پروژه و مداخله‌ای که برای انسان‌ها و در بین انسان‌ها صورت می‌گیرد، نیازمند ارزیابی است تا نقاط قوت و ضعف آن شناسایی شود. این امر بدان خاطر است که هدف نهایی این مداخله‌ها، بهبود زندگی انسان‌ها و افزایش کیفیت و رضایت‌مندی آن‌ها بیان می‌شود. اگر بپذیریم که چنین است، لازم می‌آید پس از بررسی‌های علمی، نقاط مثبت را تقویت و نقاط منفی را برطرف یا کاهش داد. بعلاوه، انتظار می‌رود پروژه‌هایی نظیر شهرهای جدید که با هزینه صدها میلیاردی و برای هزاران خانوار اجرا می‌شود، بیشترین بهره‌وری و کارایی را داشته باشند. بررسی عملکرد شهرهای جدید و بازبینی نتایج حاصل از سیاست ایجاد این شهرها ضروری به نظر می‌رسد لذا انجام پژوهش‌هایی از این دست را در این راستا می‌توان تبیین نمود.

از سوی دیگر، چندان که گفته شد، نخستین و مهم‌ترین هدف ایجاد شهرهای جدید، جذب مازاد جمعیت کلان شهرها و کاستن از بار مشکلات به وجود آمده در آن‌ها اعلام شده است. اما باید توجه داشت که جذب جمعیت، تابع توسعه فیزیکی و اجتماعی شهر است. لذا لازم می‌آید از طریق مطالعات علمی و تجربی، میزان موفقیت شهرهای جدید درباب جذب جمعیت مورد ارزیابی قرار بگیرد تا چنان چه هدف مذکور محقق نشده باشد، عوامل موثر و مداخله‌گر به منظور برنامه‌ریزی بهینه شناسایی شوند. در این زمینه، نگارندگان به مطالعات موجود در این زمینه مراجعه نمودند و مشخص شد که

شهرهای جدید در دستیابی به هدف اعلام شده چندان موفق نبوده‌اند. این مطالعات در ادامه ذکر خواهند شد اما آنچه توجه نگارندگان را به خود جلب کرد، جستجوی برخی عوامل اجتماعی موثر در عدم موفقیت اهداف اعلام شده بود. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد تا حدودی توسعه فیزیکی شهر اتفاق افتاده باشد، اما در بُعد توسعه اجتماعی کمبودهایی وجود دارد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در زمینه مطالعه ارتباط میان انزوای اجتماعی و احساس تنهایی، چلبی و امیرکافی (۱۳۸۳) در مقاله تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی با تأکید بر عنصر رابطه‌ای به مطالعه انزوای اجتماعی پرداخته و نشان دادند که سطح روابط اجتماعی به نوبه خود تأثیر معنادار و کاهنده‌ای بر احساس تنهایی برجای می‌گذارد.

تختی و وثوقی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان تقویت هویت در شهرهای جدید با بررسی کالبد شهر به این نتیجه می‌رسند که شهرهای جدید به دلیل ناتوانی در ایجاد هویت، به خوابگاهی بزرگ تبدیل شده‌اند.

وارثی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «تحلیلی از وضعیت شهر جدید رامشیر با تأکید بر عدم جمعیت‌پذیری» به این نتیجه رسیده‌اند که این شهر به دلیل نداشتن هویت شهری، فاصله زیاد از شهر و عدم برخورداری از امکانات و خدمات شهری مناسب، موفقیت چندانی در جذب جمعیت مازاد شهر نداشته و تمایل شهروندان به سکونت در محله‌ها و شهرک‌های حاشیه‌ای زابل بیشتر از سکونت در شهر جدید رامشیر است اگرچه با تأسیس شهرداری و ارائه برخی خدمات وضعیت رو بهبود است (وارثی

اجرائی، نبود اشتغال در شهر جدید، کمبود امکانات زیربنایی و اولیه است (وارثی، ۱۳۹۰: ۱). همچنین وارثی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای دیگر با تحلیل و ارزیابی هویت ساکنان در شهرهای جدید که به مطالعه شهر فولادشهر اصفهان اختصاص دارد، معتقدند نوعی بحران هویتی در بین ساکنان شهرهای جدید وجود دارد. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که بین مدت زندگی و میزان دسترسی به خدمات شهری و میزان تعلق به مکان زندگی رابطه معنادار وجود دارد.

چندان که در بخش پیشین گفته شد، شهرهای جدید را می‌توان به نوعی با مفهوم توسعه اجتماعی پیوند زد. توسعه اجتماعی امری به شدت مردم‌محور است و براساس کیفیت و جایگاه شهروندان در جامعه تعریف می‌شود. حالتی است که از طریق شکل‌گیری اجتماعات، جامعه مدنی، و مفهوم شهروندی، تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کند و با القای ابعاد هویتی مثبت، آن‌ها را توانمند می‌نماید. از این زاویه، پژوهش حاضر به ارزیابی میزان توسعه اجتماعی در شهرهای جدید در بُعد احساس هویت و کیفیت روابط اجتماعی به منزله سرمایه اجتماعی در بین ساکنان شهرهای جدید می‌پردازد. البته، موضوع توسعه اجتماعی در ایران بیشتر از لحاظ برخی از شاخص‌های آن نظیر هویت و اعتماد اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (اشرف، الف، ۱۳۷۲؛ فراستخواه، م، ۱۳۷۲؛ الطائی، ع، ۱۳۷۸؛ قادری، ح، ۱۳۸۱؛ احمدی، ح، ۱۳۸۱؛ چلبی، م، ۱۳۸۲). از این زاویه، صاحب‌نظران معاصر هم روی برخی از شاخص‌های توسعه اجتماعی تاکید کرده‌اند. پارسونز، اجتماع جامعه‌ای (۱۹۷۷)؛ کلمن، سرمایه اجتماعی

و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۳). وارثی و همکاران در مقاله‌ای دیگر (۱۳۸۹) با بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی شهرهای جدید (مورد گلبهار)، مهم‌ترین مسئله شهرهای جدید را فقدان هویت معرفی می‌کنند.

ربانی‌خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی عوامل موثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید، بر این اعتقادند که میزان هویت اجتماعی شهری بر حسب متغیرهای نوع منزل مسکونی، قومیت و تحصیلات افراد متفاوت است و متغیرهای خدمات و فعالیت‌های تولیدی، فضای اجتماعی، اجتماعی و فرهنگی، امنیت عاطفی-روانی و در نهایت وجود راههای ارتباطی بیشترین تأثیر را بر هویت اجتماعی ساکنان داشته‌اند.

آیتی و کمیلی در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر شهرهای جدید به عنوان بخشی از مداخله دولت در شهرنشینی با تأکید بر دوره پس از انقلاب اسلامی» معتقدند ورود دولت در امر شهرسازی امری اجتناب‌ناپذیر است اما چنین مداخله‌ای (بهبود) دلیل نگاه اقتصادی صرف { منشأ کاستی‌ها و آسیب‌های بسیاری است که مهم‌ترین آن نگرستن به شهرهای جدید به مثابه خوابگاه‌های بزرگ، مصنوعی و عاری از هویت و معنویت که نقش سلیقه و خواست مردم در آن به شدت کم‌رنگ است (آیتی و کمیلی، ۱۳۹۰: ۱)

وارثی و همکاران در پژوهشی که به «بررسی عملکرد شهر جدید بینالود در جذب جمعیت» اختصاص دارد می‌گویند که تنها حدود ۶ درصد از جمعیت پیش‌بینی شده در این شهر ساکن شده‌اند و این امر نشان از عدم موفقیت شهر در جذب جمعیت به دلایلی نظیر پدیده حاشیه‌نشینی در مشهد، مشکلات اداری-

راه‌های اصلی کشور است که پایتخت را به شهرهای مهم ساحلی دریای خزر متصل می‌کند. بنابراین محدوده راهبردی شهر جدید پردیس شامل محدوده شرقی ناحیه شهری تهران تا منتهی الیه حوزه شهری دماوند می‌شود. مکان یابی این طرح در روزهای پایانی سال ۱۳۶۸ تصویب و روند اجرایی آن از سال ۱۳۷۲ آغاز شد. در این طرح شهر جدید پردیس دارای ۹ فاز است که ۶ فاز آن با کاربری خدماتی و مسکونی در شمال آزاد راه تهران- پردیس و سه فاز دیگر با کاربری‌های صنعتی و آموزشی- تحقیقاتی، تفریحی و توریستی در جنوب آزاد راه واقع شده است. اگرچه اولین طرح جامع شهر جدید پردیس در سال ۱۳۷۴ با جمعیت ۱۵۰ هزار نفر و متعاقب آن طرح تفصیلی در سال ۱۳۸۳ با جمعیت ۱۶۸ هزار نفر و همچنین طرح جامع بازنگری شده در سال ۱۳۸۴ با جمعیت ۲۰۲ هزار نفر با وسعت سه هزار و ۵۶۹ هکتار به تصویب شورای عالی شهرسازی ایران رسیده است اما براساس اعلام دفتر برنامه‌ریزی و کنترل پروژه شرکت عمران شهرهای جدید، جمعیت تحقق یافته این شهر تا سال ۱۳۹۰ در حدود ۵۸ هزار نفر است. جست‌وجو و پیگیری محققان برای به دست آوردن سرانه‌های پیشنهادی طرح جامع شهر و سرانه‌های موجود به نتیجه‌ای منجر نشد. در رابطه با وجود مراکز عمومی، براساس اطلاعات موجود در وب‌سایت شهرداری پردیس و مشاهدات میدانی، در این شهر یک مسجد جامع و چند مسجد و حسینیه، دو دانشگاه، یک فرهنگ‌سرا و کتابخانه‌ای کوچک وابسته به شهرداری، یک سینما، پنج بوستان، سه میدان، سه مرکز خرید در مقیاس کوچک و دو فروشگاه زنجیره ای وجود دارد.

(۱۹۹۴)؛ الکساندر، جامعه مدنی (۱۹۹۰)؛ مورن، هویت انسانی (۱۳۸۲)؛ بوردیو، کنش انسانی (۱۹۷۷)؛ دارندورف، انسان اجتماعی؛ هابرماس، گستره همگانی، ارتباطات اجتماعی و عقلانیت ارتباطی (۱۹۷۹) و (۱۹۹۱)؛ گیدنز، هویت شخص و سرمایه اجتماعی (۱۹۹۱)؛ کرایب، تجربه هویت (۱۹۹۸)؛ جنکینز، هویت اجتماعی (۱۹۹۶)؛ بورک، اعتماد، تعهد و عزت نفس (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰)؛ آرچر، انسان بودن (۲۰۰۱) را مطرح کرده‌اند (به نقل از عبداللهی، ۱۳۸۲: ۲).

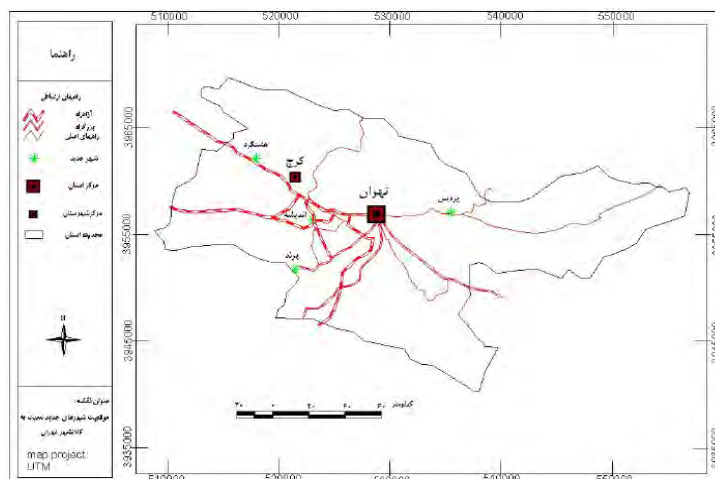
۱-۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مسئله تحقیق حاضر و براساس آنچه در بخش‌های پیشین گفته شد، به منظور جهت‌دهی مشخص به چارچوب پژوهش، فرضیه‌های مورد بررسی در مقاله حاضر به شرح زیر است؛

- به نظر می‌رسد ساکنان شهر جدید پردیس دچار بحران هویت نسبت به عناصر هویتی شهر هستند.
- به نظر می‌رسد ساکنان شهر جدید پردیس دچار احساس انزوای اجتماعی هستند.
- به نظر می‌رسد ساکنان شهر جدید پردیس از سکونت در این شهر ناراضی هستند.
- به نظر می‌رسد بین فقدان هویت شهری قابل ادراک در بین ساکنان شهر جدید پردیس و ناراضی‌تای آن‌ها از سکونت در این شهر رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین احساس انزوای اجتماعی ساکنان شهر پردیس و ناراضی‌تای آن‌ها از سکونت در این شهر رابطه معنادار وجود دارد.

۱-۵- معرفی محدوده قلمرو پژوهش

شهر پردیس در ۳۵ کیلومتری شرق تهران و در مسیر جاده ترانزیتی تهران-آمل قرار دارد. این جاده یکی از



شکل ۱: موقعیت شهرهای جدید (از جمله پردیس) نسبت به مادرشهر تهران

۱-۶- روش شناسی پژوهش

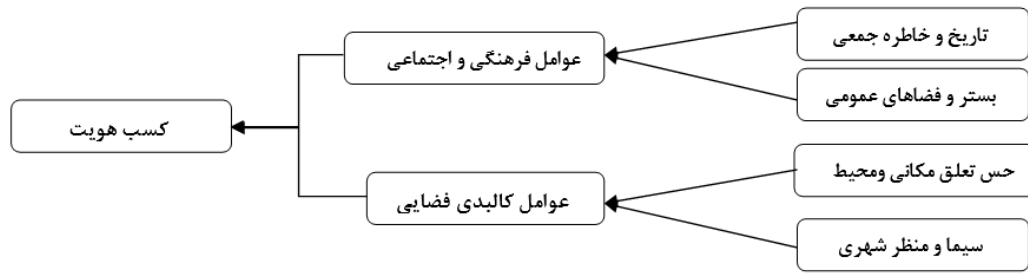
تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که داده‌های مورد نیاز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پیمایشی) گردآوری شده است. در بخش پیمایش، با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه تعیین و برای انتخاب پاسخگویان، ابتدا مناطق مختلف شهر خوشه بندی، و در مرحله بعد از هر خوشه به صورت تصادفی دو مجتمع مسکونی و از هر مجتمع نیز دو بلوک به شکل تصادفی انتخاب و در نهایت به کمک ابزار پرسشنامه یا ۳۸۰ نفر از ساکنان شهر جدید پردیس مصاحبه شد. پرسشنامه‌های تکمیل شده وارد نرم‌افزار spss شده و پس از پالایش داده‌ها، گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها برای محاسبه شاخص مربوط به آن متغیر با هم جمع شده است. پایایی سوالات و گویه‌ها نیز از طریق آزمون الفای کرونباخ تأیید شد. جهت ارائه میانگین در هر شاخص، برای امکان مقایسه نمرات متغیرهای پژوهش و سهولت در گزارش و فهم این نمرات، بر اساس فرمول زیر، به مقیاس ۰ تا ۱۰۰

تبدیل شده است. بر اساس این تغییر مقیاس، کم‌ترین نمره‌ای که هر متغیر به خود اختصاص می‌دهد صفر و بیشترین مقدار ۱۰۰ است.

S نمره متغیر در مقیاس جدید، X: نمره متغیر در مقیاس قبلی
 min: کم‌ترین نمره متغیر در مقیاس قبلی، max:
 بیشترین نمره متغیر در مقیاس قبلی

$$s = \frac{x - \min}{\max - \min} * 100$$

در رابطه با نحوه سنجش متغیرهای هویت شهری، انزوای اجتماعی و رضایت از سکونت در این شهر نیز باید گفت که متغیر هویت شهری در چهار بعد اساسی سنجیده شد. این ابعاد بیانگر نمای کلی شهر و هویت شهری است؛ ۱) هویت محیطی-اکولوژیک ۲) هویت کالبدی-فضایی ۳) هویت اجتماعی-فرهنگی ۴) هویت اقتصادی. این ابعاد را می‌توان در دو بخش کلی دسته بندی نمود: عناصر کالبدی و اکولوژیک و مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی (کشمیری، ۱۳۸۵).



و شهر در چهار بخش روابط محلی، روابط فرامحلی، پیوندهای انجمنی و سرمایه اجتماعی ابزاری انجام و در بُعد سنجش میزان رضایت پاسخگویان از سکونت در شهر جدید پردیس از ۱۰ گویه استفاده شده است.

انزوای اجتماعی نیز به معنای فقدان عینی روابط و تعاملات و یا ضعف اتصال‌های فرد با سایر افراد، گروه‌ها و جامعه است (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳). در مطالعه حاضر، سنجش اتصال و ارتباط فرد با اجتماع

جدول ۱: ضرایب پایایی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	آلفای کرونباخ	ابعاد	آلفای کرونباخ	متغیر	آلفای کرونباخ	ابعاد
هویت شهری	۰،۷۸	تاریخ و خاطره جمعی	۰،۷۵	انزوای اجتماعی	۰،۷۵	روابط محلی
		امکان روابط اجتماعی	۰،۸۱			روابط فرامحلی
		حس تعلق مکانی و محیطی	۰،۷۶			پیوندهای انجمنی
		سیما و منظر شهری	۰،۷۸			سرمایه اجتماعی ابزاری
رضایت از سکونت در شهر جدید پردیس				۰،۸۲		

یافته‌های تحقیق

۲- تعاریف و مفاهیم

– مفهوم انزوای اجتماعی و نظریه‌های مرتبط
 پیوستگی و ارتباط از عناصر حیاتی و مایه قوام هر جامعه هستند و ایجاد اختلال در ارتباطات و پیوندهای اجتماعی در سطوح گوناگون به معنای انزوای اجتماعی است. محسنی و همکاران (۱۳۸۵:۸) انزوای اجتماعی را در تقابل با مفهوم درگیری اجتماعی تحلیل می‌کنند: درگیری اجتماعی ناظر بر روابط خانوادگی، همسایگی و دوستی فرد با اطرافیان است و شامل اندازه حلقه‌های محلی شبکه اجتماعی فرد و اندازه شبکه اجتماعی راه دور فرد نیز می‌شود که برای او در مواقع نیاز حمایت اجتماعی فراهم می‌کنند.

در یک نگاه کلی، ۵۷ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۳ درصد زن، ۳۱ درصد مجرد و ۶۹ درصد از آن‌ها متأهل بوده‌اند. میزان تحصیلات تنها ۳ درصد بی‌سواد، ۱۱ درصد تحصیلات کمتر از دیپلم، ۳۴ درصد دیپلم تا کاردانی، ۴۱ درصد کارشناسی و حدود ۱۱ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد یا دکتری داشته‌اند. حدود ۸۷ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که حداقل یک وسیله نقلیه دارند و حدود ۶۵ درصد بیان کرده‌اند که محل کار آن‌ها شهری غیر از پردیس است. نکته جالب آنکه نزدیک به از نیمی از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که کمتر از سه سال است که در شهر پردیس ساکن هستند.

داده، مشخص شده است. لوئیز ویرث^۴ (۱۹۳۸) بر این استدلال است که تراکم جمعیت، تخصصی شدن و ناهمگنی فرهنگی شهرهای مدرن، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را تحلیل برده و انزوای اجتماعی را به همراه آورده است. تحلیل کارکردی پارسونز نیز در این راستا مدعی است که اگر خانواده آمریکایی بالاترین سطوح انزوای اجتماعی را تجربه می‌کند، به علت افزایش سطوح صنعتی شدن و تمایزبایی نقشها در این جامعه است. در سال‌های اخیر رابرت پوتنام^۵ به طور خاص در مورد جامعه آمریکا استدلال می‌کند که افراد در این جامعه کمتر در زندگی معاشرتی، مشارکت کرده و ارتباطات آن‌ها با همسایگان و اجتماعاتشان، بسیار ضعیف است. برآیند این مشارکت اندک، کاهش سرمایه اجتماعی در گردش اجتماع و تضعیف روابط مبتنی بر اعتماد در بین شهروندان است و بدین طریق افراد منزوی‌تر و درونگرا تر می‌شوند.

در میان اندیشمندان کلاسیک نیز، ارتباط میان مدرنیته و آثار منفی انزوای اجتماعی بر فرصت‌ها و سایر ابعاد زندگی، به شکل گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از نخستین پیشگامان این رویکرد، اثر امیل دورکیم در زمینه خودکشی است. دورکیم با بررسی علمی خودکشی اهمیت پیوندهای نزدیک اجتماعی را قالب رویکرد انسجام اجتماعی (نظریه اصالت ساخت و کارکرد) مدنظر قرار می‌دهد. دورکیم بر این باور است که انسان بر حسب طبیعت خود، نیازمند تعلق به دیگر انسان‌ها و این احساس است که این تعلق به آن‌ها او را به اهداف نزدیک‌تر می‌کند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۰). لذا مشکل اصلی جوامع مدرن

لوچر^۱ و همکاران (۲۰۰۵)، انزوای اجتماعی را جدایی فیزیکی و اجتماعی افراد از یکدیگر تعریف می‌کنند، کوهن^۲ (۱۹۹۵) انزوای اجتماعی را معادل بیگانگی فرهنگی دانسته و کریستینا^۳ و همکاران نیز بر این باورند که انزوای اجتماعی در دو مفهوم مجزا بیان می‌شود: اول در معنای جدایی افراد و گروه‌های اجتماعی از جامعه دیگر و معنای دوم آن بر جدایی افراد از گروه‌های اجتماعی اولیه مانند خانواده، دوستان و همسایگان اطلاق می‌گردد (به نقل از مرادی و زمانی، ۱۳۹۳: ۹۶). مُراد از انزوای اجتماعی در شهرهای جدید در مطالعه حاضر وضعیتی است که روابط و پیوندهای عینی فرد با دیگر افراد جامعه، گروه‌ها و اجتماعات منفصل می‌شود و عضویت و مشارکت فرد در انجمن‌های داوطلبانه، علمی، فرهنگی، مذهبی و امثال آن تضعیف و یا قطع می‌گردد و فرد به لحاظ توسعه و بسط روابط محلی و فرامحلی، با نواقص عینی قابل توجهی مواجه می‌شود.

یکی از نخستین رویکردهایی که به تبیین پدیده انزوای اجتماعی در جامعه مدرن پرداخت، رویکردی است که انزوای اجتماعی را از برآیندهای منفی مدرنیته دانسته و آن را به عنوان یک پدیده تاریخی مرتبط با مجموعه فرایندهای تشکیل‌دهنده مدرنیته چون سکولاریزاسیون، دمکراتیزاسیون، شهرگرایی و... مفهوم‌سازی می‌کند. در این رویکرد مدرنیته به عنوان وضعیتی از تضعیف پیوندهای اجتماعی سنتی، که پیش از این افراد را به اجتماعاتشان گره زده و گروه‌های خویشاوندی و شبکه‌های اجتماعی را بسط

¹ Locher

² Cohn

³ Christina

⁴ Wirth

⁵ Putnam

و ارتباطات اجتماعی با دیگران تشکیل شده است، این ارتباطات محیط ساختاری را تشکیل داده و شبکه‌های شخصی افراد را می‌سازند که منجر به فراهم نمودن حمایت‌های کارکردی (عاطفی، اطلاعاتی و ابزاری) برای افراد می‌شود (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۰-۸۱). حمایت فراهم شده در این شبکه‌ها در نقش نوعی سپر، ضربه‌گیر یا میانجی بین فشارهای زندگی و وضع جسمانی عمل می‌کند. درگیری افراد در شبکه‌های مختلف اعم از خانوادگی، دوستی و همسایگی، منابع حمایتی‌ای فراهم می‌کند که فرد با جذب بیشتر در آنها، شرایط مطلوبی برای دریافت حمایت اجتماعی کسب می‌کند.

- هویت مکان و نظریه‌های مرتبط

تعابیر «هویت مکانی» با «هویت مکان» با یکدیگر متفاوتند، هویت مکانی، بخشی از هویت فرد است اما هویت مکان اشاره به ویژگی‌های قابل تشخیص و شناخت مکان بیرون دارد. هویت مکان بر کیفیت هویت مکانی اثر می‌گذارد، اما خود مفهومی جداگانه دارد. هویت مکان یعنی حدی که یک شخص می‌تواند مکانی را از سایر مکان‌ها باز شناسد، به طوری که آن محل شخصیتی مستقل و بی‌نظیر یا حداقل مخصوص به خود را داشته باشد (معلمی، ۱۳۸۶). هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. در واقع هویت مکان به ویژگی‌های قابل تشخیص مکان اشاره دارد در حالی که هویت مکانی احساسی در یک فرد یا یک جمع است که به واسطه ارتباطشان با یک مکان برانگیخته می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۰: ۵). این هویت بخشی از ساخت هویت انسان و حاصل شناخت‌های

در نظر وی، رابطه فرد با جامعه است: مشکلی که به ازهم پاشیدگی و ضعف پیوندهایی باز می‌گردد که فرد را به جامعه مربوط می‌سازد. از پیامدهای سست شدن این رابطه، پدیده خودکشی است. از نظر دورکیم تفاوت‌های حاصل در میزان خودکشی با میزان انسجام اجتماعی منطبق است: میزان بالای خودکشی در میان گروه‌هایی یافت می‌شود که از نظر اجتماعی منزوی‌اند و بالعکس. لذا شدت و ضعف انسجام اجتماعی (میزان مشارکت در اجتماعات) و تنظیم اجتماعی (میزان فشار، کنترل و هدایت‌شوندگی اجتماعات به افراد) بر شیوه و شیوع خودکشی اثر می‌گذارد (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۰-۷۹). متغیر نهفته در چهارچوب مدل انسجام اجتماعی دورکیمی، متغیر حمایت اجتماعی است: عاملی که در درون همبستگی گروهی و واکنش‌های اجتماعی افراد، مانع از گرایش آن‌ها به رفتارهای غیرعقلانی و بیمارگونه می‌شود، همان احساس امنیت و تعلق‌خاطری است که از گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که فرد عضوی از آن‌ها محسوب می‌شود، ناشی می‌گردد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۳). لذا عنصر مبنایی حمایت اجتماعی، روابط اجتماعی است. برقراری روابط مثبت به حمایت اجتماعی بیشتر منجر می‌شود؛ موضوعی که به نظر می‌رسد در شهرهای جدید دچار کاستی شده است.

شبکه‌های اجتماعی موضوعی اساسی برای انسجام و حمایت اجتماعی‌اند زیرا امکان ایجاد حمایت از افراد پیرامون و درگیر در این شبکه‌ها را فراهم می‌کنند. چلبسی معتقد است «یکی از کارکردهای بالقوه شبکه‌های اجتماعی، انسجام یا استعداد فراهم کردن حمایت عاطفی و اجتماعی است» (۱۳۸۵: ۶۸). لذا از آنجا که افراد جزئی از جامعه‌ای هستند که از تماس‌ها

عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می‌کند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۶۵).

گذاری بر اندیشه‌های شکل‌دهنده شهرهای جدید و گذری بر تجارب ناشی از آن‌ها چه در مقیاس جهانی و چه در مقیاس ایرانی، نشان می‌دهد تا چه اندازه، آن اندیشه‌ها و این تجربه‌ها، از توجه به خاطره‌سازی شهری و فضاهای شهری خاطره‌ای غافل بوده و تا چه اندازه از این مطلب که شهر خاطره را می‌سازد و خاطره به شهر شکل می‌بخشد، دور بوده‌اند. این امر سبب گردید تا در بسیاری موارد، این تجارب مثالی بارز از شکست اندیشه نوگرایانه درباره تولید شهر باشند. در شهر جدید، فرد بیش از آنکه شهروند باشد، ساکن شهر است، به گونه‌ای ارادی یا غیرارادی، از سر میل یا از روی اجبار، سکونت در شهر جدید را گزیده و در مکانی ساکن شده که هیچ خاطره‌ای از آن در ذهن ندارد، شهر خود نیز خاطره‌ای از خود به یاد ندارد، چون در جایی استقرار یافته است که قبل از او فضایی بوده است باز و گسترده در دامن طبیعت. این فضا با استقرار شهر به مکان تبدیل شده است، مکانی بی‌خاطره قبلی، بی‌آوازه قبلی و بی‌هویت قبلی. بنابراین، هم شهر و هم ساکن شهر هر دو در پی یک مقصود روان می‌شوند، اولین در پی اعلام هویت مکانی و دومین در پی اعلام هویت شهروندی، دو امر متقابلی که یکی بی‌دیگری ناممکن است و در این متقابل است که هم شهر در حافظه شهروندان می‌نشیند و هم شهروند مکانی باز را می‌شناسد که مهر و نشانه خود را بر آن زده، آن را از آن خود کرده است و از آن خاطره‌ها در ذهن دارد (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

کنار هم چیدن عناصر کارکردی گوناگون در شهر کافی نیست تا نظام پویای ویژه شهرها شکل بگیرد،

بلکه باید این کارکردها بتوانند با هم تعامل داشته باشند (میشل و وارنیه، ۱۳۸۳: ۲۳). از یک سو، میزان جذب جمعیت در نوشهرها با باور مردم، نحوه استقبال متقاضیان و درجه مطلوبیت خدمات شهری و به نحوی پیشرفت کار شهرهای جدید ارتباط دارد (نوری کرمانی، ۱۳۷۴: ۵۱). از سوی دیگر، برای شهرهای جدید، تنها جذب جمعیت کافی نیست بلکه حفظ ساکنان در این شهرها از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این میان، قصد و تمایل ماندگاری در شهر و میزان احساس رضایت از آمدن به این شهرها از شاخص‌های مهمی به شمار می‌رود (رئیس دانا، ۱۳۷۱: ۳۰۳). این مهم، یادآور مفهوم حس مکان است؛ حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه شهروندان از محیط پیرامون‌شان است. این حس «موجب احساس راحتی فرد در یک محیط شده» از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷). در ایجاد حس تعلق و مکان به مخاطبین به ویژه در فضاهای شهری، برخی محققین «تعاملات و ارتباطات فرهنگی اجتماعی در مکان» و برخی «عناصر کالبدی» فضاهای مذکور را به عنوان عامل شکل‌گیری این حس معرفی می‌کنند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی‌های فرمی و کالبدی، هر یک نقش مؤثری در شکل‌گیری حس تعلق دارند (جوان فروزنده و همکار، ۱۳۹۰ به نقل از حسینی‌زاده و میرنژاد، ۱۳۹۳). در واقع، حس مکان میزان تعلق و دلبستگی عاطفی ساکنان یک مکان نسبت به آن محیط است. «حس تعلق در حقیقت نوعی هویت یا شخصیت شهر

ساکنانی که با محیط خود هم‌ذات‌پنداری کنند، برای ایجاد شور جمعی و فراهم ساختن حمایت عمومی برای فعالیت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و ساخت و سازهای جدید، اهمیت زیادی دارد (کولبرگ، ۱۳۸۵: ۳۹۶).

چپمن معتقد است، در بسیاری از شهرهای جدید، ایجاد تسهیلات اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تفریح، زمانی طولانی بعد از ساخت خانه‌ها آغاز می‌گردد و این در ایجاد حس بیگانگی در میان مردم محل تأثیر می‌گذارد. چپمن با اشاره به اینکه شهرهای جدید، گاهی به دلیل یکنواختی و سادگی طرح آن‌ها مورد نقد قرار می‌گیرند، معتقد است مکان‌ها می‌توانند توسط استفاده‌کنندگان تسخیر یا تصرف شوند. آن‌ها تجارب فضایی بسیار متنوعی را فراهم آورده و به منطقه هویت می‌بخشند (چپمن، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

طبق نظرهارولد پروشانسکی^۸، هویت مکانی بخشی از زیرساخت‌های هویت فردی انسان و حاصل شناخت‌های عمومی وی درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند. می‌توان گفت بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران معرفی می‌نماید. در نهایت اینکه واگنر^۹ نیز معتقد است که زمان و مکان، انسان و عمل، هویتی تفکیک‌ناشدنی را می‌سازند، بنابراین معنا و عمل عناصری در هم تنیده‌اند که در فهم هویت مکان باید در نظر گرفته شود (قاسمی، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

۳- تحلیل یافته‌ها

با هدف آشنایی مخاطب با وضعیت متغیرهای مورد بررسی در بین نمونه یعنی هویت شهری، انزوای اجتماعی و میزان رضایت از سکونت در شهر جدید

است» (فکوهی، ۱۳۹۳: ۲۰۹). محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمز‌گشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی، که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط بوده و باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

شامای مراحل اصلی برای شکل‌گیری حس مکان را در قالب چند گام برمی‌شمارد: بی‌تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان (اطلاع فرد از مختصات محل زندگی خود بدون احساس اتصال به مکان)، تعلق به مکان (احساس مثبت و احساس سرنوشت مشترک نسبت به مکان)، دلبستگی به مکان (برقراری ارتباط عاطفی با مکان، درهم تنیدگی تجارب جمعی و هویت فردی با مکان و نمادهای آن) و تعهد به مکان (داشتن نقش فعال در اجتماع، فداکاری برای مکان و یکی شدن با اهداف مکان) (به نقل از مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۰۵).

اریک لارسن^۶، اندیشمند دانمارکی معتقد است، شهر پیش از آنکه از چیزها تشکیل شده باشد، از تفاوت‌ها تشکیل شده است، تفاوت‌های مادی که جهت‌های لازم را برای آن‌که بدانیم به کجا و چگونه باید حرکت کنیم به ما می‌دهند در واقع می‌توان گفت تنوع مکانی دلالت بر تنوع معنایی دارد (معلمی، ۱۳۸۶: ۹۳). کولبرگ^۷ معتقد است وجود

^۸Harold Proshansky

^۹Vagner

^۶Eric Larsen

^۷J.Kulbrg

پردیس، توزیع پاسخ‌ها به ابعاد متغیرها در جدول زیر گزارش می‌شود. اعداد به درصد است.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان برحسب ابعاد هویت شهری، انزوای اجتماعی و رضایت از سکونت در پردیس

مفهوم	ابعاد	ضعیف	متوسط به پایین	متوسط	متوسط به بالا	قوی
هویت شهری	تاریخ و خاطره جمعی	۱۹/۳	۳۱/۱	۲۳/۵	۱۹/۶	۶/۵
	امکان روابط اجتماعی	۳۲/۴	۳۳	۱۷/۵	۱۰/۸	۶/۳
	حس تعلق مکانی و محیطی	۲۳/۷	۳۴/۳	۲۵/۶	۱۳/۳	۳
	سیما و منظر شهری	۱۹/۵	۲۲/۵	۴۰/۴	۷/۳	۱۰/۳
مفهوم	ابعاد	ضعیف	متوسط به پایین	متوسط	متوسط به بالا	قوی
انزوای اجتماعی	روابط محلی	۲۹/۱	۳۸/۳	۱۷/۵	۸/۵	۶/۶
	روابط فرامحلی	۳۴/۲	۴۲/۵	۱۵/۵	۵/۸	۲
	پیوندهای انجمنی	۲۶/۷	۶۰/۳	۸/۳	۲/۵	۲/۲
	سرمایه اجتماعی ابزاری	۱۹/۵	۴۲/۵	۲۰/۴	۷/۳	۱۰/۳
مفهوم	ابعاد	کم	متوسط به پایین	متوسط	متوسط به بالا	زیاد
میزان رضایت از سکونت در شهر پردیس	-	۱۹/۵	۲۶	۳۱/۵	۱۳/۵	۹/۵

در رابطه با مفهوم انزوای اجتماعی نیز با توزیع نسبتاً مشابهی روبرو هستیم. به شکلی که حدود ۶۷ درصد پاسخگویان بُعد روابط محلی در شهر جدید پردیس را ضعیف و متوسط به پایین ارزش‌گذاری کرده‌اند و همچنین ۷۶ درصد آن‌ها امکان روابط فرامحلی را ضعیف و کمتر از ضعیف اعلام نموده‌اند. توزیع پاسخگویان در بُعد پیوندهای انجمنی نشان می‌دهد که گزینه متوسط به پایین به تنهایی حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان را شامل شده و حدود ۲۷ درصد نیز در گزینه ضعیف جای گرفته‌اند. این امر نشان از ضعف یا فقدان انجمن‌ها در شهر جدید پردیس دارد که پاسخگویان اشاره کرده‌اند. همچنین از نظر ۶۲ درصد از پاسخگویان سرمایه اجتماعی ابزاری ضعیف یا کمتر از متوسط ارزیابی شده و حدود ۲۰ درصد آن را متوسط و نزدیک به ۱۸ درصد آن را قوی یا بیشتر از متوسط گزارش کرده‌اند. توزیع درصدهای بالاتر

چندان که جدول‌های فوق نشان می‌دهند، توزیع پاسخگویان در ابعاد هویت شهری عمدتاً در مقوله‌های ضعیف و متوسط به پایین قرارگرفته است که نشان از ضعف هویت شهری شهر پردیس در ابعاد مورد بررسی است چندان که در بُعد تاریخ و خاطره جمعی حدود نیمی از پاسخگویان ابراز کرده‌اند که شهر جدید پردیس فاقد آن است. در بُعد امکان روابط اجتماعی در شهر جدید، حدود ۶۵ درصد پاسخگویان این امر را ضعیف یا ضعیف‌تر از متوسط ارزیابی کرده‌اند. در بُعد حس تعلق مکانی و محیطی نیز نزدیک به ۶۰ درصد نمونه گفته‌اند تعلق ضعیف یا کمتر از متوسطی به شهر جدید پردیس دارند اما در رابطه با بُعد چهارم، حدود ۴۰ درصد سیما و منظر شهری را ضعیف یا کمتر از متوسط و ۴۰ درصد در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و تنها حدود ۲۰ درصد آن را قوی یا بالاتر از متوسط اعلام نموده‌اند.

متوسط است. در رابطه با میزان رضایت از سکونت در پردیس، نمونه پژوهش میزان بالایی از نارضایتی را گزارش داده‌اند؛ میانگین حدود ۴۶ از ۱۰۰ این امر را نشان می‌دهد.

در ادامه، با هدف پاسخگویی به فرضیه‌های تحقیق قصد داریم از آزمون‌های آماری پارامتریک استفاده نماییم. جدای از فاصله‌ای بودن سطح داده‌ها که از طریق تبدیل داده‌ها به صفر تا صد حاصل شد، یکی دیگر از شروط استفاده از این آزمون‌ها، نرمال بودن توزیع فراوانی داده‌هاست. به منظور ارزیابی نرمال بودن توزیع، از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد که در جدول زیر به نتایج آن اشاره می‌شود.

جدول ۴. نتیجه آزمون نرمال بودن توزیع شاخص‌های

تحقیق		مقدار Z	سطح معناداری
شاخص متغیرهای تحقیق		۱٫۹۵	۰٫۱۳
شاخص هویت شهری		۱٫۱۳	۰٫۱۷
شاخص رضایت از سکونت		۲٫۴۰	۰٫۰۸

در صورتی که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنف بیشتر از ۰٫۰۵ باشد، توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال است. همان‌طور که در جدول فوق آمده، سطح معنی‌داری همه متغیرهای پژوهش بزرگتر از ۰٫۰۵ و لذا می‌توان گفت توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال است.

به منظور پاسخگویی به سه فرضیه نخست تحقیق از آزمون T تک نمونه استفاده شد. این آزمون، میانگین نمونه را با میانگین مفروض نظری یا از پیش موجود مقایسه نموده و چنانچه این دو تفاوت معناداری با یکدیگر داشته باشند می‌توان گفت نمونه مورد بررسی از این لحاظ متفاوت است. در اینجا، با توجه به بازه صفر تا صد بودن داده‌ها، میانگین مفروض برای متغیرهای هویت شهری و رضایت از سکونت

در گزینه ضعیف و متوسط به پایین بدان معناست که احساس انزوای اجتماعی بالاست.

سنجش میزان رضایت پاسخگویان از سکونت در شهر جدید پردیس نشان می‌دهد علاوه بر اینکه ۲۰ درصد پاسخگویان رضایت بسیار کمی از سکونت خود در این شهر داشته‌اند، ۲۶ درصد نیز رضایت کمتر از متوسطی در این زمینه اعلام کرده‌اند. این بدان معناست که نزدیک به نیمی از پاسخگویان میزان رضایت کمتر از حد متوسطی داشته‌اند. حدود ۳۲ درصد در پاسخ‌هایشان به سوالات میزان رضایت حد متوسط را گزارش کرده‌اند. البته ۲۴ درصد نیز میزان رضایت بیشتر از حد متوسط را اعلام نموده‌اند.

جدول ۳. شاخص متغیرهای پژوهش در نمونه مورد

شاخص متغیرهای تحقیق	بررسی			
	پایین	متوسط	بالا	میانگین (از ۱۰۰)
شاخص هویت شهری	۳۸٫۴	۴۳٫۷	۱۷٫۹	۴۱٫۴
شاخص انزوای اجتماعی	۱۴٫۲	۳۲٫۶	۵۳٫۲	۶۲٫۵
شاخص رضایت از سکونت	۴۳٫۷	۳۹٫۱	۱۸٫۲	۴۶٫۲

جدول شماره ۳ توزیع پاسخگویان را در متغیرهای مورد بررسی براساس بازه صفر تا صد نشان می‌دهد. بر این اساس، به عنوان مثال می‌توان گفت ۳۸ درصد پاسخگویان معتقدند هویت شهری پردیس پایین و ضعیف است. ۴۴ درصد این امر را متوسط و ۱۸ درصد بالا ارزیابی کرده‌اند و از نظر آن‌ها شهر جدید پردیس دارای میزان بالایی از عناصر و مولفه‌های هویت شهری است.

همچنین از آنجا که مبنای داده‌ها صفر تا صد است، می‌توان میانگین یافته‌ها را در هر شاخص مقایسه نمود. بر این اساس، اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که میزان احساس هویت نسبت به شهر و انزوای اجتماعی در بین نمونه پژوهش کمتر از

احساس بی هویتی و انزوای اجتماعی می‌نمایند و از رضایت از سکونت در این نقطه چندان راضی نیستند. برای آزمون فرضیه چهارم تحقیق نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول زیر به نتایج آن اشاره می‌شود.

جدول ۶: نتایج بررسی رابطه متغیرهای هویت و انزوای

اجتماعی با رضایت از سکونت در شهر پردیس

سطح معناداری Sig	ضریب همبستگی (R)	شاخص آماری آزمون فرضیه
۰,۰۱	۰/۴۹	احساس فقدان هویت شهری * نارضایتی از سکونت
۰,۰۱	۰,۳۷۲	احساس انزوای اجتماعی * نارضایتی از سکونت

رابطه مثبت و متوسط بین متغیر هویت شهری و رضایت از سکونت بدین معناست که پاسخگویانی که معتقد بوده‌اند شهر پردیس دارای مولفه‌های هویتی است، میزان رضایت بیشتری از سکونت در این شهر را بیان نموده‌اند. همچنین رابطه مثبت و متوسط بین دو متغیر احساس انزوای اجتماعی و رضایت از سکونت در شهر پردیس بدین معناست که با افزایش احساس انزوای اجتماعی در بین پاسخگویان، میزان نارضایتی از سکونت در این شهر نیز افزایش می‌یابد.

۴- نتیجه‌گیری

یافته‌ها درباب وضعیت احساس هویت و انزوای اجتماعی در شهر پردیس نشان داد که شهروندان ساکن این شهر تا حدود زیادی نسبت به وجود هویت برای این شهر مشکوک هستند و احساس منزوی بودن می‌کنند. این وضعیت را می‌توان در ارجاع به مختصات شهر تبیین نمود. هنگام ورود به شهرهای قدیم، همواره عناصر و مولفه‌هایی مشاهده و درک

در شهر پردیس ۶۰ و برای متغیر انزوای اجتماعی ۴۰ در نظر گرفته شد. دلیل انتخاب این اعداد آن است که انتظار می‌رود در حالت نرمال، هریک از متغیرهای مورد بررسی چنین میانگینی کسب نمایند تا بتوان گفت احساس هویت شهری برقرار است، انزوای اجتماعی موجود نیست و رضایت از سکونت در نزد پاسخگویان وجود دارد.

جدول ۵: آزمون فرضیه‌های تحقیق

Sig	مقدار t	تفاوت میانگین	شاخص آماری آزمون فرضیه
۰,۰۱	-۱۳,۳۴	-۱۸,۶	احساس هویت شهری
۰,۰۱	۸,۸	۳۵,۵	احساس انزوای اجتماعی
۰,۰۱	-۱۱,۱۱	-۱۳,۸	رضایت از سکونت

نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد میانگین نمونه مورد بررسی و میانگین مفروض، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند و با توجه به علامت منفی میانگین‌ها، می‌توان گفت این تفاوت به نفع میانگین مفروض است بدین معنا که نمونه مورد بررسی با میانگین مفروض فاصله داشته و در مورد متغیرهای هویت و رضایت بسیار کمتر از میانگین مفروض و در مورد متغیر انزوای اجتماعی بیشتر از حد مفروض است. این یافته تأییدکننده فرضیات تحقیق مبنی بر وجود خلأهای هویتی و انزوای اجتماعی و نارضایتی از سکونت در شهر جدید پردیس است. با توجه به اینکه میانگین مفروض در حد پایین و حداقل ممکن در نظر گرفته شد، اما با این حال، تفاوت معناداری بین میانگین مفروض و میانگین نمونه مورد بررسی وجود دارد. این امر نشان از وضعیت نسبتاً نامناسب متغیرهای مورد بررسی در شهر جدید پردیس دارد. بدین معنا که ساکنان آنجا نسبت به شهر پردیس

برای این شهر قائل شد؛ ساکنانی از نقاط مختلف کشور، از گروه‌هایی متفاوت و غیره. در این شهر، هیچ بازاری به آن معنای سنتی که در شهرهای قدیم وجود دارد، دیده نمی‌شود و فعالیت خرید به سه پاساژ کوچک و دو فروشگاه زنجیره‌ای و مراکز خرید خرد محدود شده است اگرچه به صورت دوره‌ای نمایشگاه‌هایی برگزار می‌شود اما از نظر برآورده کردن انتظارات ساکنان، همچنان به مادرشهر وابسته است و به تنهایی مستقل نیست. وجود بازار از این جهت اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که محل تجمع و کنش عمومی روزمره شهروندان محسوب می‌شود چندان که میداین نیز تقریباً نقش مشابهی دارند: در شهر پردیس به زحمت می‌توان به تعداد انگشتان یک دست (البته آن هم نه به معنای کلاسیک یعنی یک فضای فیزیکی جغرافیایی که مبنای راهنمایی و تقسیم فضای شهر باشد و به همراه خود معنای تاریخی و نمادین داشته باشد) میدان مشاهده کرد. شهر جدید پردیس فاقد نشانه‌های پیشینه تاریخی همچون بناهای مربوط به دوره‌های تاریخی قبل است تا ساکنان آن در تعریف شهر خود بتوانند بدان استناد کنند. اگرچه به دلیل موقعیت کوهستانی، آب و هوای خنک و پاکیزه آن نسبت به مادرشهر تهران یک امتیاز محسوب می‌شود اما جاذبه‌های طبیعی آن محدود به پیست اسکی شده است که از سال‌های دور در آن حوالی وجود دارد. بوستان‌های جدیدالحدث آن هنوز شاخص‌ها و جلوه یک پارک را ندارند، مثلاً درختان آنها کوچک و مبلمان آنها نسبتاً ضعیف است و کمتر می‌توانند شهروندان را به خود جذب و اقتناع کنند. بخش‌های شهر جدید پردیس براساس واژه فاز تعریف می‌شود در حالی که شهرهای قدیم غالباً

می‌شود که روی هم رفته هویت ویژه‌ای برای آن شهرها ایجاد می‌نماید. مثلاً در ورود به یک شهر کهن عناصر طبیعی همچون کوه، رود، جنگل و عناصر فرهنگی اجتماعی همچون بناهای نمادین (مثلاً برج آزادی تهران یا میدان‌های نمادین در شهرهای دیگر که معمولاً وجود مجسمه‌ای در مرکز آن مخاطب را به تاریخ یا رویداد خاصی هدایت می‌نماید)، زبان، گویش و پوشش منحصر به فرد، آداب و رسوم و غذاهای بومی ولذا احساس یگانگی و به هم پیوستگی (به تعبیری وجدان جمعی دورکیم) شهروندان، مراکز عمومی همچون بازارهای سنتی، آثار و بناهای تاریخی، مسجد جامعی با معماری هیجان‌انگیز ایرانی-اسلامی، محله‌هایی با خصوصیات متفاوت و همبستگی درونی، وجود مقبره علماء، شهدا و مفاخر علمی یا فرهنگی و امام‌زاده‌ها، بوستان‌هایی با امکانات و فضای سبز جالب توجه، مراکز تفریحی همچون شهربازی‌ها، مراکز علمی-فرهنگی نظیر چون دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های عمومی، سینما و غیره جلوه‌گری می‌کند. اما این مولفه‌ها در شهر جدید پردیس یا وجود ندارد و یا به صورت ضعیفی مشاهده و درک می‌شود. مثلاً مراکز علمی محدود به دو دانشگاه و مراکز فرهنگی منحصر به یک فرهنگ‌سرا و یک کتابخانه عمومی کوچک و یک سینما شده است. مسجد جامع این شهر اگرچه در ظاهر تاحدودی نمای مسجد دارد اما فضای درونی مسجد با آن معماری و تزئیناتی که در مساجد شهرهای قدیم دیده‌ایم فاصله دارد. در این شهر هیچ وجه غالب زبانی، قومی یا مذهبی وجود ندارد که بتوان براساس آن و پیامدهایی که همسانی در این زمینه‌ها می‌تواند در پی داشته باشد، هویت ویژه‌ای

می‌کند، ساختار شهر لازم است که دعوت‌کننده و مشوق حیات عمومی باشد و این دعوت‌کنندگی از بطن اجتماع شهری نیز تراوش نماید. در صورتی که به مولفه‌های هویت بخش توجه نشود، تمایل شهروندان به زندگی در این شهرها بسیار پایین خواهد بود و در اولین فرصت، مجدداً به محل پیشین برخواهند گشت یا در صورت سکونت در شهرهای جدید، تنها به اجبار و فارغ از هر گونه حس تعلق سکونت خواهند کرد.

بحران هویت شهرهای جدید در ایران، شاید از آنجا ناشی می‌شود که از یک سو، قبل و حین احداث این شهرها، صرفاً به مسائل عمرانی و اقتصادی توجه می‌شود. مردم هر شهری -هرچند با جمعیت نه چندان زیاد- به لحاظ روانی نیاز دارند که شهرشان دارای سیمای منحصر به فرد، نماها و شاخص‌های غرورآفرین، عناصر تداعی‌کننده فرهنگ و تاریخ، خاطره‌ساز، سرزنده و با نشاط، زمینه‌ساز اتفاقات و رویدادهای اجتماعی و همبستگی اجتماعی باشند. در آن صورت است که از زندگی در این شهر لذت برده، در آن احساس اعتبار نموده، برای مکان زیست خود احترام قائل بوده، جهت بهبود فضای زندگی مشارکت کرده و تمایلی جهت ترک شهر نمی‌نمایند.

در مجامع علمی و اجرایی پرسش‌های بی‌شماری در زمینه شهرهای جدید و دلایل عدم موفقیت آنها مطرح می‌شود، پاسخ بسیاری از این پرسش‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به هویت شهری و جایگاه آن در شهرهای جدید برمی‌گردد. در مورد موضوع هویت شهری، مشارکت مردم در فرآیند ایجاد و تولید فضاهای شهری و پس از آن حضور در عرصه‌های شهری و برقراری ارتباط مناسب بین شهر

براساس محله شناخته می‌شوند. اگرچه تقسیم‌بندی براساس فاز می‌تواند یک عنصر هویتی جدید در پی داشته باشد اما از آنجا که کلیت فرهنگ جامعه ما براساس محله تعریف شده، شاید این تعریف جدید کارکردهای محله را نداشته و پذیرش آن با دشواری‌هایی همراه باشد. به صورت کلی، این وضعیت باعث می‌شود ارزیابی از این قبیل شهرها به یک شهر خوابگاهی منتهی شود.

به هر حال، شهرهای جدید تفاوت‌هایی با شهرهای قدیمی دارند. این تفاوت‌ها را می‌توان در اندازه (مسلماً اندازه شهر بر میزان فعالیت‌های اجتماعی تاثیر می‌گذارد و بزرگ‌تر بودن اندازه می‌تواند به پرتحرک بودن فضاهای شهری کمک کند و باعث رونق این فضاها گردد)، پتانسیل‌های فرهنگی و تاریخی (نظیر مراکز تاریخی، مذهبی و فرهنگی)، موقیت‌های خاص جغرافیایی، عوامل طبیعی چون دریا، رودخانه، کوه، الگوهای شبکه شهری (طراحی شهر خطی، مرکزی، غیره می‌تواند بر تمرکز یا عدم تمرکز مردم بر فضاهای شهری نقش داشته باشد)، پتانسیل‌های انسانی (وجود قشر خاصی از مردم و یا شخص خاص در شهرهای قدیمی از تفاوت‌های بنیادی شهر قدیم و جدید است. این امر بدین جهت مهم است که انجام مراسم و گردهمایی به واسطه قشر یا شخص خاص در فضاهای شهری جنب و جوش می‌آفریند (جوآن‌بخت، ۱۳۸۴). این موارد موجب ایجاد هویت برای شهرهای قدیمی می‌شدند.

قابلیت زندگی، هویت، اصالت و فرصت‌های شهری از خصوصیات مثبت محیط شهری است که باید در خدمت فرد، شهروند و واحدهای کوچک اجتماعی قرار گیرد. چندان که یافته‌های تحقیق حاضر نیز تأیید

ویژه‌ای داشت و به ساکنان امنیت و آرامش می‌بخشید. این اصل در شهرهای جدید ما کمتر مورد توجه قرار گرفته و به نوعی می‌توان گفت دیگر محله کارکردهای گذشته خود را ندارد و صرفاً به مکانی برای عبور و مرور تبدیل شده است و همین خود می‌تواند دلیلی بر بی‌خاطره‌گی از محیط‌های شهری باشد.

در مجموع، امروزه شهرهای ما، خصوصاً شهرهای جدید، با فقدان فضاهای دلنشین و خودمانی در محله‌ها مواجه‌اند و در واقع بافت‌های مسکونی‌ای شکل گرفته که در آن‌ها حداقل‌های زیست مهیا شده است. بروز این وضعیت به تدریج به کمرنگ شدن حس تعلق و نهایتاً فقدان آن در شهروندان می‌انجامد. حاصل گسترش این رفتارها روحیه انزوای طلبی، از خود بیگانگی و عدم تعلق افراد است. چندان که ساکنان این شهرها از خانه خود به عنوان محلی برای استراحت شبانه استفاده می‌کنند و اکثر نیازهای خود از جمله کار، تفریح، خرید و تعاملات اجتماعی را در مادرشهر برآورده می‌کنند.

بهبود کیفیت فضاهای عمومی شهرها بر فعالیت‌های روزمره و اجتماعی شهروندان تأثیر می‌گذارد و این تأثیر را بیش از هر جا می‌توان در عرصه‌های عمومی مشاهده کرد. فضاهای شهری می‌بایست جذاب، متنوع و متناسب با مقیاس انسانی باشد تا ضمن درک صریح استفاده‌کنندگان، ارتباط مناسب را با فضا برقرار کند و تأثیر فضا در خاطر وی بماند (تختی و وثوقی، ۱۳۸۵). در فضاهای عمومی است که تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. لذا طرح‌های شهرهای جدید باید مکان‌هایی را برای ارتباطات اجتماعی بوجود آورند. شهرهای جدید احتیاج دارند

و شهروند و احساس تعلق خاطر ساکنان به محیط شهری و شهرشان عنوان می‌گردد. در واقع ایجاد حیات شهری و حضور فعال و مسئول شهروندان در عرصه‌های عمومی از بارزترین نشانه‌های موفقیت شهرهای جدید تلقی می‌گردند. با کنکاش درباره مشکلات شهرهای جدید خصوصاً در زمینه‌های ادراکی و احساسی، این نتیجه بدست می‌آید که جایگاه هویت و معنا و مفهوم در فضاهای عمومی و مجموعه عناصر شهرهای جدید ضعیف انگاشته شده است و در فرآیند ایجاد شهرهای جدید اعم از مکان یابی، برنامه ریزی، طراحی و اجرا، نیز دارای جایگاه روشن و مشخص نیست. این مشکل در شهرهای جدید به صورت عدم حضور مردم در فضاهای شهری و همچنین عدم تعلق خاطر ساکنان به شهر جدید مشاهده می‌شود و نشان می‌دهد که شکل‌گیری فضاهای شهری براساس هنجارهای ساختگی و نه بر مبنای خواست‌ها و ارزش‌های مردمی بوده است و به همین دلیل از دیدگاه بسیاری از متخصصان، محیط شهرهای جدید مصنوعی و تهی از هویت انسانی ارزیابی شده است. این در حالی است که توجه به جایگاه هویت شهری و کاربست آن به صورت علمی می‌تواند بسیاری از مشکلات شهرهای جدید را مرتفع سازد و در فرآیند مشارکت دولتی-مردمی می‌توان نتیجه مطلوب را بدست آورد (صبری، ۱۳۸۴).

در گذشته ساکنان هر محل معمولاً خانه خود را به همراه محله‌ای که در آن زندگی می‌کردند، یکجا در خاطر خود حفظ می‌کردند زیرا که در این محله‌ها فضاهایی وجود داشت که نیازهای گوناگون ساکنان را برآورده می‌ساخت و قلمرو خاص و هویت

محروم‌اند. اما با انجام اقداماتی می‌توان براین محرومیت غلبه کرد. مثلاً به منظور تولید خاطره جمعی می‌توان به برگزاری مراسم خاص فرهنگی و اجتماعی و مانند این‌ها برای ساکنان و با مشارکت خودشان مبادرت ورزید و چنانچه متولیان شهر، اجرای هرچه کامل‌تر و با شکوه‌تر مراسم یاد شده را تسهیل کنند، فرآیند هویت‌یابی سرعتی خیره‌کننده به خود می‌گیرد. نکته مهم دیگر، استفاده آگاهانه از نمادهای هویت‌آفرین است. شهرهای جدید تاریخ و گذشته‌ای ندارند اما سعی شود از حال، تاریخی برای آیندگان ساخته شود تا در آینده خاطرات جمعی و نقاط هویتی تاریخی شکل بگیرد.

به لحاظ اقتصادی و معیشتی نیز، شهرهای جدید به شدت وابسته به مادرشهرها و شهرهای اطراف هستند و فرصت‌های شغلی در این مناطق محدود است. موضوعی که یافته‌های پژوهش حاضر نیز آن را تأیید می‌نماید. در مورد شهر پردیس، براساس گزارش‌ها، اقتصاد این منطقه به شدت وابسته به شهر تهران است چندان که بالغ بر ۸۰ درصد شاغلان شهر در تهران کار می‌کنند (طرح جامع شهر جدید پردیس، ۱۳۸۰: ۱۳). لازم است با انتقال برخی از مراکز تولیدی به این نقاط، موجب افزایش احساس تعلق به شهرهای جدید و جلب رضایت ساکنان از سکونت در این مناطق شوند.

در مجموع، یافته‌ها نشان داد که ساکنان شهرهای جدید دچار اختلال هویتی شده‌اند و احساس انزوای می‌کنند. این شرایط موجب نارضایتی آن‌ها از سکونت در این شهرها شده و بسیاری از آن‌ها منتظر فرصتی برای ترک شهر و بازگشت به مادر شهر هستند. چنین شرایطی در کنار مشکلات زیرساختی

که کیفیت را برای ساکنان خود بهبود بخشند. یک راه حل این خواهد بود تا به مردم اجازه داده شود در امور محلی شرکت کنند. نگرش‌های محلی و تعاملی راه‌حلی را پیش روی می‌گذارند که بتوان تقاضا و احتیاجات ساکنان شهرهای جدید را متبلور ساخته و به نحو مناسبی پاسخ داد (مؤسسه شهرهای جدید اروپایی، ۱۳۸۲: ۵۹). به بیان دیگر، برنامه ریزان و سیاست‌گذاران شهری نباید از تأثیری که مردم می‌توانند در شکل‌گیری هویت شهری داشته باشند، غافل شوند. برای رهایی از بحران بی‌هویتی و جوابگویی به ابعاد روحی و روانی ساکنان شهرهای جدید، لازم است که در تمامی مراحل، از تصمیم‌گیری برای احداث شهرهای جدید، تا مکان‌یابی مدیریت آنها، به مبحث هویت شهری توجه شود.

هم‌چنان که قبلاً هم گفته شد برای ایجاد شهری با هویت نباید نقش محله‌ها را فراموش کرد زیرا که محله‌ها همواره در طول تاریخ نقش انکارناپذیری را در شهرهای ایرانی بازی می‌کرده‌اند و تعاملات شهروندان در همین فضاها ایجاد می‌شده و در ادامه منجر به شکل‌گیری یک خاطره جمعی از فضا می‌گشته و شاید زنده کردن همین محله‌ها در شهرهای جدید، زمینه ساز ایجاد شهری با هویت باشد. ایجاد فضاهای دلنشین و خودمانی در محله باعث شکل‌گیری ارتباطات انسانی می‌شود و می‌تواند حس نزدیکی و همسایگی را در ساکنان یک شهر ایجاد کند. همین امر خود می‌تواند زمینه ساز ایجاد خاطره جمعی و افزایش همبستگی میان ساکنان محله باشد.

شهرهای جدید بدلیل فقدان تاریخ، فرهنگ و خاطره جمعی منبعث از فضا تا مدت‌ها از هویت‌یابی

مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال ششم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۹۷-۱۰۶.
بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران - چاپ اول، تهران: نشر شهر.

بهزادفر، مصطفی، علی برین (۱۳۸۷). ساماندهی هویتی شهر جدید هشتگرد. فصلنامه ساخت شهر، سال پنجم، شماره ۱۱ و ۱۰، صص ۲۴-۱۱.
پیران، پرویز (۱۳۸۴). شهرهای جدید، بی‌تاریخ و بدون فرهنگ: مسأله هویت‌یابی، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.

تختی، بیتا، ویدا وثوقی (۱۳۸۵). تقویت هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.
ترابی، مرضیه (۱۳۸۰). حس مکان در شهرهای جدید، ماهنامه شهرداریها: ماهنامه پژوهشی، آموزشی-اطلاع‌رسانی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، شماره ۳۱.

جوان فروزنده، علی، قاسم مطلبی (۱۳۸۹). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. فصلنامه هویت شهر، سال ۵، شماره ۸، صص ۲۷-۳۷.

جوانبخت، امیر (۱۳۸۴). بحثی درباره فضاهای شهری در شهرهای جدید، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.

چپمن، دیوید. (۱۳۸۴). آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت. شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نظیر فقر امکانات خدماتی، حمل و نقل عمومی و محدودیت شغل در شهرهای جدید، ضمن کاستن از کیفیت زندگی ساکنان این شهرها، در نهایت موجب شکست طرح شهرهای جدید خواهد شد. بنابراین، برای موفقیت این شهرها و کاستن از مشکلات مادرشهرها، لازم است تغییر رویکردی در بین مجریان و ناظران این طرح‌ها صورت گیرد تا ضمن توجه به مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی سازنده شهر (و نه صرفاً ساخت تعدادی دیوار به نام مسکن) و مشارکت نظر و سلیقه شهروندان مقدمات جلب نظر مردم به این نقاط را فراهم نمایند.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی، محمد نگهبان مروی (۱۳۸۰). تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵، صص ۱۷۲-۱۵۱.

اسماعیل پور، فاطمه (۱۳۸۴). شهرهای جدید، خاطرات جمعی (مطالعه موردی شهر جدید مهاجران)، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.
انصاری، مجتبی، علیرضا صادقی، فریال احمدی، مهدی حقیقت‌بین (۱۳۸۷). هویت معماری و ساختار شهری: هویت بخشی به محلات بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری. دو ماهنامه آینه خیال، سال ۲، شماره ۱۱، صص ۹۳-۱۰۰.

آیتی، حمید، محمد کمیلی (۱۳۹۰). تحلیلی بر شهرهای جدید به عنوان بخشی از مداخله دولت در شهرنشینی (با تأکید بر دوره پس از انقلاب اسلامی). فصلنامه علمی-پژوهشی

- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی. -
- چلبی، مسعود، امیرکافی، مهدی (۱۳۸۳). تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، ص ۳-۳۱.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۵). شهر جدید آستانه‌ای برای تکوین خاطره و حافظه شهری، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، جلد دوم، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- حسینی‌زاده مهرجردی، سعیده؛ سیدعلی میرنژاد (۱۳۹۳). تبیین جایگاه مسجد جامعه یزد در ایجاد حس مکان و هویت به فضای کالبدی شهر. فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۶، ش ۱، صص ۱۵۰-۱۲۷.
- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۸۸). مقررات شهرسازی و معماری و طرح‌های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول، تهران: نشر توسعه ایران.
- ربانی، رسول (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری. چاپ اول، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ربانی خوراسگانی، رسول، سمیه کریمی زاده اردکانی، جواد نظری (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید (مطالعه موردی شهر پردیس تهران). نشریه مطالعات ملی، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۱۲۸-۱۰۱.
- رضادوست، کریم، علی حسین‌زاده، حمید عابدزاده (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان جامعه شهری ایلام. مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۵، دانشگاه اصفهان.
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۰). بحران ادراکی رفتاری در فضای شهری. ماهنامه شهرداری‌ها، سال دوم، شماره ۲۳، ویژه نامه شماره ۵. (رئیس دانا، ۱۳۷۱: ۳۰۳).
- زیاری، کرامت اله (۱۳۹۲). برنامه ریزی شهرهای جدید. تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
- سرمست، بهرام، محمدمهدی متوسلی (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران). فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۳۳.
- شکوئی، حسن (۱۳۸۸). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی. جلد دوم، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- صبری، سهیل (۱۳۸۴). جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.
- علی پور، فردین، سجادی، حمیرا، فروزان، آمنه و بیگلریان، اکبر (۱۳۸۸). نقش حمایت‌های اجتماعی در کیفیت زندگی سالمندان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۱۴۷-۱۶۵.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشرنی، چاپ نهم.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۵). بررسی حس مکان در شهرهای جدید: نمونه موردی شهر

- جدید اندیشه، مجموعه مقالات همایش بین-المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- کامروا، محمدعلی (۱۳۷۱). هویت در شهرهای جدید. مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- کربلایی نوری، رضا (۱۳۸۵). هویت؛ شهر، خاطره. مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، تهران: مجموعه مقالات شرکت عمران شهرهای جدید.
- کشمیری، کامران (۱۳۸۸) هویت شهری و عناصر ساختاری آن. پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی.
- کمیلی، محمد (۱۳۸۲). شناخت هویت شهری بندرعباس، فصلنامه صفه، شماره ۴۶.
- کولبرگ، یوگا (۱۳۸۵). هشت چالش عمده برای بازسازی شهری در شهرهای اروپا، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، جلد دوم، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- محسنی، منوچهر، دوران، بهزاد، سهرابی، محمدهادی (۱۳۸۵). بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی نت‌های تهران)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، صص ۷۲-۹۵.
- محمدی، الهام، فکر آزاد، حسین، سجادی، حمیرا (۱۳۹۱). گونه شناسی شبکه اجتماعی و سلامت اجتماعی در سالمندان، فصلنامه مددکاران اجتماعی متخصص، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- مرادی، گلمراد، زمانی، مهرداد (۱۳۹۳). بررسی نقش هراس اجتماعی در انزوای اجتماعی زنان روستایی: مورد مطالعه روستاهای دلاهو، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۳، شماره پیاپی ۷، شماره ۱، صص ۹۵-۱۱۵.
- مشکینی، ابوالفضل، اکرم قاسمی، مهدی حمزه‌نژاد (۱۳۹۳). ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد). فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال ۱۴، ش ۴۸، صص ۵۶-۴۱.
- معلمی، محسن (۱۳۸۶). هویت شهری، هویت مسکونی، مفاهیم گمشده امروزی. ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، شماره ۴۸.
- مؤسسه شهرهای جدید اروپایی (۱۳۸۲). گزارش سمینار شهرهای جدید در زمان بلوغ: چالش همبستگی، حسن چیدری، کتاب شهرهای جدید، جلد اول، تهران: انتشارات عمران شهرهای جدید.
- میشل، ژاک؛ وارنیه، برتران (۱۳۸۳). از طرح‌ریزی منطقه‌ای تا طراحی بلوک‌های منفرد. محمد تقی‌زاده مطلق و رضا کربلایی نوری، جلد سوم، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- نریمانی، مسعود (۱۳۸۳). فرایند شکل‌گیری و عوامل تأثیرگذار در شهرهای جدید ایران: شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی. مجموعه

- مقالات ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- نوری کرمانی، علی (۱۳۷۴). تحلیل کارکردی شهرهای جدید در ایران، نشریه سپهر، شماره ۱۴.
- نوفل، سید علیرضا (۱۳۸۴). بررسی و ارزیابی شاخص‌های موثر در هویت شهری، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.
- وارثی، حمیدرضا، جابر علی‌زاده، مریم صالحی (۱۳۹۰). تحلیل و ارزیابی هویت ساکنان در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید پولادشهر). مجله علمی-تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۳۷-۶۲.
- وارثی، حمیدرضا، جابر علی‌زاده، مریم صالحی (۱۳۹۰). تحلیل و ارزیابی هویت ساکنان شهرهای جدید. مجله علمی-تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره سوم، زمستان ۹۰، صص ۳۷-۶۲.
- وارثی، حمیدرضا، محمد عامل بافنده، محمد محمدزاده (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید (مورد: شهر گلپهار). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۱۷-۳۶.
- وارثی، حمیدرضا، محمد محمدزاده، مهدی عامل بافنده (۱۳۹۰). بررسی عملکرد شهر جدید بینالود در جذب جمعیت. فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، پیاپی ۴۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- وارثی، حمیدرضا، مهری اذانی، حبیب حاجی‌حسینی (۱۳۸۷). تحلیلی از وضعیت شهر جدید رامشار (با تأکید بر عدم جمعیت‌پذیری). مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۳۲، شماره ۴، سال ۱۳۸۷، صص ۶۸-۴۷.
- وارثی، حمیدرضا؛ مهدی عامل بافنده، محمد محمدزاده (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید: مطالعه موردی شهر گلپهار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره دوم
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۲). توسعه اجتماعی. قابل دسترسی در وب سایت <http://www.ensani.ir/storage/Files/pdf20101211235901-98381>
- Eddie C.M. Hui, Manfred C.M. lam (2005). A study of commuting patterns of new town resident in Hong Kong, Habitat international, vol. 29, pp 421- 437.
- Wirth, L. (1938). Urbanism as a Way of Life, American Journal of Sociology, 44: 3-24.
- Locher, J. L., Ritchie, C.H., Roth, D. L., Baker, P. S., Bonder, E. V., Allman, R. M. (2005). Social Isolation, Support, and Capital and Nutritional Risk in an Older Sample: Ethnic and Gender Differences", Social Science and Medicine, 6, 747-761.